



رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه: حکومت اسلامی به حوزه علمیه پر مغز پویا و نوآور نیازمند است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه علمیه را از حکومت اسلامی انفکاک ناپذیر دانستند...

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه علمیه را از حکومت اسلامی انفکاک ناپذیر دانستند و با تأکید بر نیازمندی حکومت اسلامی به حوزه علمیه «پر مغز و صاحب علم و پویا و نوآور و آشنا با نیازهای روز» به منظور امتداد معارف و احکام اسلامی در ابعاد مختلف زندگی و اعماق جامعه گفتند: یکی از نیازهای مهم حوزه علمیه در شرایط کنونی، «تدوین طرح تحول» در حوزه و برنامه ریزی بلندمدت، دقیق و زمانبندی شده براساس این طرح تحول و اهداف مورد نظر است.

ایشان با تأکید بر این که برنامه ریزی‌های حوزه علمیه در بخش‌های مختلف به ویژه دانش آموختگی و دانشوری، اجرایی و عرصه حکومت باید با هدف پشتیبانی و تغذیه ارتباط با حکومت اسلامی باشد، افزودند: حوزه علمیه پشتوانه اقامه حکم اسلامی است، بنابراین اگر حکومت اسلامی، حکم اسلامی را بخوبی اجرا کند، حوزه علمیه باید با تمام وجود از آن حمایت کند و اگر دچار اشتباه می‌شود، تذکر دهد.

رهبر انقلاب اسلامی، «برنامه بلندمدت» برای حوزه علمیه را بسیار ضروری برشمردند و خاطرنشان کردند: در این برنامه ریزی باید اهداف کاملاً مشخص و قابل دستیابی و دارای زمانبندی باشند، به گونه ای که برنامه قابل سنجش کمی و همچنین قابل انعطاف باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این که برنامه بلندمدت حوزه باید مبتنی بر یک «طرح تحول حوزه» باشد، افزودند: باید یک «مرکز مطالعات راهبردی» متشکل از نخبگان و فرزندان هوشمند حوزوی تشکیل و برنامه تحول و دیگر برنامه‌های راهبردی حوزه، در این مرکز تدوین شوند.

ایشان در پایان سخنان خود، چند توصیه را بیان کردند و گفتند: پرهیز از دیوانسالاری‌های شبه دولتی، نشست و برخاست مدیران حوزه با طلبه‌ها، ایجاد فضای انس با قرآن، در میان طلاب، شناسایی استعدادهای برتر، ترویج مطالعه به ویژه در زمینه سیر تاریخ علوم حوزه و تفسیر، تربیت مبلغ‌های قلمی، سخنور و مبلغ فضای مجازی از جمله نکاتی است که باید در حوزه‌های علمیه توجه ویژه ای به آنها شود.

پیش از بیانات رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله استادی دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه گزارشی از برنامه‌ها و فعالیت‌های این شورا و مشکلات پیش روی آن بیان کرد.

همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه مهمترین اقدامات انجام گرفته طی سال‌های اخیر در بخش‌های مختلف حوزه‌های علمیه را تشریح کرد.

سبک زندگی شهیدان را باید برای نسل‌های آینده ترسیم کنیم

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استانهای کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی که در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۵ برگزار شده بود، صبح دیروز در مصلاهی امام خمینی(ره) یاسوج منتشر شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، هدف از جنگ نرم و پنهان دشمن را «دور کردن مردم از عرصه جهاد و مقاومت، بی‌اعتنا کردن آنها به آرمانها و تصرف فضای فکری و روحی کشور» دانستند و خاطرنشان کردند: ملت ایران با مقاومت و ایستادگی خود، قدرتهای جهانی را در بسیاری از اهدافشان ناکام کرده و سلطه‌گران با ابزارهای فراوان، تبلیغات هنگفت و گویندگان سخن به مزد و همچنین فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، در تلاش برای مایوس و از صحنه خارج کردن ملت هستند.

متن بیانات به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم(۱)

و الحمد ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین.

بحمدالله جلسه ما معطر است به عطر شهادت. برادرانی که از دو استان کهگیلویه و بویراحمد و استان خراسان شمالی تشریف دارید، به نام شهیدان و به یاد شهیدان و برای خدمت به شهیدان همت گماشتید و امروز هم لطف کردید به اینجا تشریف آوردید.

ان شاءالله که خداوند شما را مأجور بدارد و نیتهای شما را و عزم راسخ شما را مستمر و مستدام بدارد و از شما این خدمات و این تلاشها را قبول کند و منافع این خدمات باارزش فرهنگی ان شاءالله عاید و واصل به مردمان بشود که امروز خیلی هم به آن احتیاج دارند.

چون دو مجموعه‌ای که تشریف آورده‌اید از یک جنس هستید، از این جهت، ما صحبت با [هر دو] مجموعه را یک صحبت قرار دادیم؛ چون ذکر شهیدان و یاد شهیدان است و برکت شهیدان ان شاءالله بر این جمع و این صحبت منتشر و مشتعل خواهد بود. با اینکه از پایان دفاع مقدّس قریب سی سال - ۲۸ سال می‌گذرد، در عین حال یاد شهیدان و نام شهیدان کهنه نخواهد شد، گم نخواهد شد. علت هم این است که خدای متعال فرموده است: اَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ (۲) زنده‌اند دیگر. کمالین که شهدای تاریخ هم این‌جور هستند؛ این‌همه علمای بزرگ، شخصیت‌های بزرگ، سیاسیون بزرگ در طول تاریخ وفات یافتند و از دنیا رفتند و کمتر کسی از آنها در یادهای جامعه مانده، اما شهدایی که شناخته شدند به‌عنوان شهید، یادشان زنده است و زنده خواهد بود. شهدای ما هم همین‌جور هستند. یاد شهدا زنده است و باید هم این بقای نام و یاد شهدا را ما به صورت یک امر مهم دنبال کنیم. چون شهیدان حامل بشارتند: وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفًا عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۳) شهیدان به ما می‌گویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دل‌سردی و نومیدی نداشته باشید.

نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه می‌دارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم.

امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمانها بی‌تفاوت کند؛ هدفشان این است.

تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش می‌کنند، با این هدف انجام می‌گیرد که ملت ایران را - که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرت‌های جهانی را، سلطه‌های بزرگ را در بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد - مأیوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتی اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است. اینکه ما خیال کنیم دشمن یک جنگی را می‌خواهد شروع کند و یک بخشی از کشور را تصرف کند، اینها یک چیزهای قدیمی‌ای است؛ امروز اینها مطرح نیست و دشمن این را نمی‌خواهد. امروز دشمن اگر هم به فرض، یک کار نظامی را انجام می‌دهد، با آن هدف است؛ با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور است؛ [اگر] کار اقتصادی می‌کنند به این نیت است؛ [اگر] کار امنیتی می‌کنند، کار روانی می‌کنند، از فضای مجازی استفاده می‌کنند، از ماهواره استفاده می‌کنند، از رادیوها و تلویزیون‌ها استفاده می‌کنند، از مبلغان دهان‌به‌مزد و سخن‌به‌مزد در اطراف دنیا استفاده می‌کنند، همه با این هدف است.

خب، در یک چنین شرایطی آن چیزی که می‌تواند ملت را سرپا نگه دارد، در آنها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهدا است؛ یعنی از جمله عوامل مهم، یاد شهدا است؛ لذاست که مساله یادبود شهدا و این کنگره‌های بزرگی که برای شهدا تشکیل می‌شود، خیلی مهم است؛ اینها خیلی باارزش است.

گزارش‌هایی که آقایان دادید؛ چه برادرانی که درباره اقدامات در کهگیلویه و بویراحمد صحبت کردند، چه برادرانی که درباره اقدامات در خراسان شمالی صحبت کردند، این اقدامات خوب است. البته همه اینها یک‌وزن نیستند، بعضی از اقدامات خوب است، بعضی خوب‌تر است، بعضی‌ها تأثیرات عمیق‌تری دارد، بعضی‌ها آن‌جور نیست؛ ولی به‌رحال نگاهبانی یاد شهدا امروز یک وظیفه است.

چند نکته اساسی در اینجا هست که باید به اینها توجه کرد. یکی این است که ما در بیان زندگی‌نامه شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است. خب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مساله است که چیز باارزشی است که کسانی جانشان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتوانه فکری و اعتقادی شخص هم یک مساله دیگری است که این خیلی مهم است.

این شهیدی که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آیید، در داخل زندگی خانوادگی چه‌جوری مشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه‌جوری عمل می‌کرده؛ اینها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائلی که امروز برای ما مهم است، اینها چه‌جوری عمل می‌کرده‌اند.

فرض بفرمایید که ما امروز در مورد اسراف، در مورد تعرض و تجاوز به اموال بیت‌المال، درباره اشرافیگری حساسیت نشان می‌دهیم، یعنی [اینها] چیزهایی است که امروز برای مجموعه دلسوز جامعه ما مسائل مهمی است، مسائل مطرحی است؛ این شهدای عزیز ما آن روزی که زنده بودند و زندگی می‌کردند در داخل شهرهایشان، در داخل خانواده‌هایشان، نسبت به این قضایا چه‌جوری بودند.

تلویزیون یک برنامه‌ای را دیروز پریروزها پخش می‌کرد از بعضی از شهدا که بنده تصادفاً چند دقیقه‌ای دیدم؛ آنچه درباره آن شهیدان گفته می‌شد، یا در وصیت‌نامه آن شهیدان درج شده بود، انسان را واقعاً از عظمت روحی این شهید متحیر می‌کند. می‌گوید من درس خواندم و می‌ترسم که این درس خواندن من - که خرجی برایش شده و هزینه‌ای شده - تحمیل بر بیت‌المال بوده و این به گردن من باشد؛ وقتی که من شهید شدم موتور گازی من را بفروشید، پولهای بانک من را بگیرید، بروید بدهید به بیت‌المال به جای آن! اینها درس است؛ اینها درس است.

وضع عادی زندگی کردن شهدا چه‌جوری بوده؟ فرض بفرمایید ازدواجشان؛ در این خاطرات شهدا که زندگینامه‌ی شهدا [است] - حالا تا آن مقداری که بنده دیده‌ام و خوانده‌ام و نگاه کرده‌ام - در چند مورد بحث ازدواج اینها مطرح می‌شود؛ چگونه ازدواج اینها، رفتار اینها در گزینش همسر - دنبال چه‌جور همسری بودند - بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده‌ها، اینها همه قله‌های اخلاق اسلامی است.

امروز ما گرفتاریم؛ ما امروز به این چیزها احتیاج داریم. امروز جوان ما برای ازدواج، برای گزینش همسر چه‌جوری فکر می‌کند و چه‌جوری باید فکر کند؟ آن الگو را باید در مقابل او نگه داشت؛ اینها الگو هستند، شهدای ما الگو هستند. گاهی بعضی‌ها پیش ما شکایت می‌کنند که ما الگو به جوانهایمان نشان نمی‌دهیم؛ خب، این هزاران الگو؛ الگو در این استان، الگو در این استان، و هزاران الگو در استانهای گوناگون، اینها را برجسته کنید؛ سیمای منور اینها را درست در مقابل چشم جوانها نگه دارید.

من البته با این آلبوم و مانند اینها مخالفتی ندارم اما کار [اصلی] اینها نیست؛ بیان آنچه اینها در زندگیشان عمل می‌کردند، چه‌جوری عمل می‌کردند، چه‌جوری رفتار می‌کردند، چه‌جوری خرج می‌کردند، به وظیفه چه‌جوری نگاه می‌کردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که می‌تواند الگوسازی کند.

هنرمندان ما بیایند به میدان، هنر نگارش، هنر تصویرسازی متنی و کتابی، اینها خیلی چیز مهمی است. فقط دنبال فیلم [نباشند]؛ فیلم خوب است، فیلم خیلی لازم است، بنده بارها هم تکیه کردم و توصیه کردم، الان هم توصیه می‌کنم لکن این تکیه روی فیلم ما را از کتاب غافل نکند.

اگر چنانچه افرادی که اهل نگارشند، اهل قلم خوب هستند، اهل ذوق در این معانی هستند، بنشینند تصویرسازی کنند، کتابهایی کوتاه که جوان حوصله کند بخواند، اینها را بسازند، کتاب تولید کنند؛ لازم نیست ا عراق بکنند، لازم نیست خلاف واقع بگویند، همانی که هست را بدرستی بیان کنند، به زیبایی و شیوایی بیان بکنند؛ این، دلها را جذب خواهد کرد؛ افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین، این یک نکته است که ما زندگی شهیدان را، سبک زندگی شهیدان را، برای جوانهایمان، برای نسلهای رو به آینده‌مان تصویر کنیم، ترسیم کنیم، به آنها نشان بدهیم که ببینند چه بود و چه شد.

چون جنگ تحمیلی که در واقع دفاع مقدس بود، این یک چیز کوچکی نبود؛ ما هنوز هم بعد از گذشت سالها، ابعاد مهم این جنگ را درست نتوانستیم برای مخاطبین خودمان تشریح کنیم؛ یک جنگ بین‌المللی بود، یک جنگ بین‌الملل بود علیه اسلام، علیه حاکمیت اسلام، علیه امام بزرگوار؛ یک جنگ این‌جوری بود.

حالا قله آن و به اصطلاح سرنیزه را آن بدبخت بی‌عقل بعثی صدام قرار داده بودند والا پشت سر او، عقبه او دیگران بودند؛ کسانی که به او کمک می‌کردند، کسانی که به او راه نشان می‌دادند، کسانی که وسایل کار او را برایش فراهم می‌کردند؛ اگر یک وقتی هم احتمالاً سست می‌شد، تقویتش می‌کردند که نگذارند [ضعیف شود]؛ ما با یک چنین جنگی مواجه بودیم.

اینهایی که توانستند کشور را از یک چنین بلیه‌ای نجات بدهند، چه کسانی بودند؟ این برای جوان امروز ما مهم است. اینها چه

کسانی بودند که توانستند کشور را نجات بدهند و در وسط میدان بروند؟ اینها مهم است. بنابراین این یک نکته است که بایستی رفتارشناسی این جوانها برای مخاطبین امروز روشن باشد.

یک مساله دیگر بحث آرمانهای اینها است. خب، آرمان جوانها چه بود؟ اینهایی که رفتند جنگیدند با چه اهداف بلندی رفتند جنگیدند؟ آیا مساله فقط یک جنگ ارضی و مرزی و مانند اینها بود که دشمنی متعزّص مرزهای ما شده و ما می‌خواهیم دشمن را عقب بزنیم؟ فقط این بود؟ آرمان پدر و مادرها چه بود؟ این پدر و مادری که این جوان را تربیت کرده، حاضر نیست یک خار به پای این جوانش برود، حاضر نیست این جوان‌اندک بیماری پیدا کند، این جوان را همین طور می‌فرستد به طرف جبهه، درحالی‌که خیلی مطمئن نیست که او برخواهد گشت؛ این خیلی مهم است. این پدر و مادرها با چه آرمانی این جوان را فرستادند؟ اینها مهم است، به اینها توجه کنید؛ خیلی‌ها سعی می‌کنند اینها را مکتوم نگه دارند. آرمانشان اسلام بود، آرمانشان خدا بود، آرمانشان حکومت دینی و اسلامی بود؛ این بود که این جوان را می‌کشاند می‌برد جبهه. کسی که باور ندارد، وصیّت‌نامه‌ها را نگاه کند؛ اینکه امام بزرگوار توصیه می‌کردند که پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، بروید یک بار هم این وصیّت‌نامه‌ها را بخوانید؛ این به‌خاطر این است که این وصیّت‌نامه نشان می‌دهد که این جوان برای چه آمده؛ چه جاذبه‌ای، چه مغناطیسی او را حرکت داده؛ از هوس‌های جوانی بگذرد، از درسش بگذرد، از دانشگاهش بگذرد، از محیط راحت زندگی کنار پدر و مادر بگذرد، بیاید در سرمای منطقه غرب یا گرمای منطقه خوزستان، آنجا با دشمن بجنگد و جاننش را کف دستش بگیرد. جنگیدن با دشمن هم از دور یک چیز آسانی به نظر می‌آید؛ تا کسی نرود آنجا، صدای توپ و تفنگ و انفجار و مانند اینها را نبیند و نشنود، درست درک نمی‌کند که چه خبر است. این جوان پا می‌شود می‌رود آنجا، جاننش را کف دستش می‌گیرد، از خطرات عبور می‌کند، برای چه؟ این در وصیّت‌نامه‌ها منعکس است؛ برای خدا، برای امام، برای حجاب. دیدید در وصیّت‌نامه‌های شهدا چقدر درباره حجاب توصیه شده؛ خب، حجاب یک حکم دینی است؛ این آرمان شهیدان فراموش نشود. این‌جور نباشد که تصوّر بشود «فقط یک جنگی بود مثل جنگ‌هایی که بقیّه دارند در دنیا می‌کنند؛ بالاخره هر کشوری دشمنی دارد، گاهی جنگی اتفاق می‌افتد، جوانهایی می‌روند در جبهه و می‌جنگند؛ کشته می‌شوند یا زنده بر می‌گردند یا مجروح برمی‌گردند؛ اینها هم مثل آنها»، این نبود قضیه؛ قضیه قضیه دین بود، قضیه آرمان الهی بود، قضیه حاکمیت اسلام بود، قضیه انقلاب بود، اسلام انقلابی بود که اینها را می‌کشاند.

پدر و مادرها هم همین‌جور؛ پدر و مادرها اگر برای خاطر خدا نبود، اگر به امید لطف الهی و فیض الهی نبود، چطور حاضر می‌شدند اجازه بدهند جوانشان برود میدان جنگ؛ و بعد هم صبر کنند. بنده بارها به خانواده‌های شهدا، به پدر و مادرها این را عرض می‌کنم و می‌گویم این صبر شما [بود] که موجب شد این حرکت، این شعله مقاومت و مبارزه‌ی در راه حق فرو نخواست و از بین نرود؛ صبر پدر و مادرها بود و آلا اگر پدر و مادرها، وقتی جوانشان رفت و شهید شد، آه و ناله و گریه و شکایت و دعوا [می‌کردند] و این‌ور و آن‌ور [گله می‌کردند]، خب خانواده بعدی جوانشان را نمی‌فرستادند. این خانواده‌های شهدا بودند، این روحیه‌ها بود [که انقلاب را حفظ کرد]؛ روحیه ایثار، گذشت.

من شاید این خاطره را بارها گفته باشم - البته خاطره فراوان است، صدها جا، شاید خیلی بیشتر از این - در یکی از شهرها که زمان ریاست جمهوری رفته بودم. بعد که سخنرانی کردم و برگشتم بیایم، مردم دوروبر ما اجتماع کرده بودند و اظهار محبت می‌کردند، من هم می‌رفتم طرف ماشین که سوار بشوم، شنفتم که یک خانمی از پشت سر در وسط جمعیت مرتب صدا می‌زند و اسم بنده را می‌آورد. فهمیدم کار مهمی دارد؛ ایستادم. گفتم بگذارید این خانم بیاید ببینم چه کار دارد که در این جمعیت این‌جور داد میکشد. آمد جلو، گفت که آقا پسر من اسیر شده بود - به نظرم، حالا درست یادم نیست، شاید گفت تنها پسر من؛ احتمال می‌دهم گفت تنها پسر من - چند روز پیش اطلاع پیدا کردم که در اسارتگاه شهید شده؛ به امام بگوئید که - شاید مثلاً به این تعبیر، حالا جزئیاتش یادم نمانده، البته یادداشت کرده‌ام، بارها هم گفته‌ام - فدای سرتان؛ و اگر باز هم پسر داشته باشم، باز هم می‌فرستم. این پیغامی بود که یک مادر [شهید گفت]. ببینید این روحیه را! من آمدم به امام این را عرض کردم، امام گریه‌اش گرفت؛ از شنیدن این سخن و این احساس، اشک به چشم امام آمد. این روحیه‌ها برای چه کسی بود، برای چه بود؟ جز برای خدا یک چنین چیزهایی را انسان نمی‌تواند مشاهده کند که مادر دو شهید بچه‌هایش را خودش ببرد داخل قبر بگذارد و گریه نکند! یا بخواهد از دوروبری‌هایش که گریه نکنند، بگوید من بچه‌هایم را در راه خدا داده‌ام، خوشحال هم باشد؛ اینها آن آرمان است.

بنابراین فراموش نشود که ما آرمان شهیدان را که عبارت بود از خدا و اسلام و اسلام انقلاب و حکومت اسلامی و حاکمیت دین، از یاد ببریمو قضیه را عادی‌سازی کنیم؛ [یا بگوئیم] مثل بقیّه جنگ‌هایی که بود؛ خب یک عده‌ای کشته میشدند، یک عده‌ای [زخمی یا اسیر]، در همه جنگها بالاخره یک عده جوان کشته می‌شوند! این‌جوری نبود قضیه. این هم این نکته.

یک نکته دیگر هم - که حالا دیدم خوشبختانه در صحبت آقایان هم بود که توجه به آن دارند - این است که از فرصت باقیمانده استفاده کنید برای گفتگو با پدر و مادرها. خیلی از پدر و مادرها از دنیا رفته‌اند و این فرصت از دست ما و شما گرفته شده که ما ببینیم خاستگاه این جوان چیست. پدر و مادر وقتی حرف می‌زنند، نشاندهنده این است که این جوان در یک چنین فضایی

نشو و نما کرده؛ این خیلی مهم است. از لحاظ موقعیت اجتماعی، از لحاظ طبقه اجتماعی، از لحاظ گرایش‌های گوناگون معلوم بشود که در چه محیطی او پرورش پیدا کرده؛ علاوه بر اینکه می‌تواند جزئیاتی از زندگی شهید را هم برای ما روشن کند. این هم یک فایده دیگر است، این را از دست ندهید؛ پدر و مادرها را درک کنید و بالاخره الان نزدیک 30 سال از پایان جنگ می‌گذرد، خیلی از پدر و مادرها از دنیا رفته‌اند، بعضی دیگر هم از پدر و مادرها در شرف زوال و فنا هستند؛ شما وقت کمی دارید. این را یکی از فوریت‌ها و اولویت‌ها بدانید و در درجه اول بروید سراغ پدر و مادرهایی که هستند و همسران شهدا - آن کسانی که همسر داشتند - یا برادران و خواهران؛ آنهایی که برادر و خواهر دارند. از آنها راجع به شهید، راجع به خلقیات شهید، راجع به روحیات شهید بپرسید و اینها را در اختیار نسل جوان بگذارید.

در این کنگره‌ها و این اجتماعات کارهای خوبی واقعاً انجام می‌گیرد. بعضی از این کارها کارهای چشم‌نواز است که خب خوب است، کارهای چشم‌نواز لازم است. نام مبارک شهدا، عکس‌هایشان، تصویرهایشان، بعضی از کلماتشان در بعضی از خیابان‌ها یا معابری که انسان حرکت می‌کند، چشم‌نواز و لازم است؛ لکن از این مهم‌تر، آن مسائل محتوایی است. سعی بشود جنبه‌های محتوایی و تربیتی و هدایتی این یادواره‌ها تقویت بشود. هر یادواره‌ای که شما به وجود می‌آورید، یک تأثیر اساسی در یک جمع کثیری [می‌گذارد]. نمی‌گوییم حالا در همه، بالاخره افراد مختلفند، تأثیرات روی آنها هم جورواجور است؛ [اما] لااقل در جمعی، در یک مجموعه‌ای تأثیراتی خواهد گذاشت؛ از زبان آنها وضع جنگ و جبهه ترسیم بشود. یک جوان امروز، نوجوان امروز، [باید] بداند که وقتی ما می‌گوییم دفاع مقدس، این دفاع مقدس چه بود؟ این از زبان آنها [بیان شود]؛ کما اینکه بعضی از کتاب‌هایی که نوشته شده که بنده هم یادداشت‌هایی در کنار بعضی‌هایش نوشتم، از این‌جهت خیلی خوب است که نشان‌دهنده همین است که جزئیاتی که آنجا وجود داشته، آن ابتکارها، آن فداکاری‌ها، آن غربت‌ها، آن گذشت‌ها، آن شهامت‌ها و شجاعت‌هایی که افراد در حین عملیات و در قبل از عملیات انجام دادند، در آن لحظات سخت کارهایی که انجام دادند، اینها در بعضی از این نوشته‌ها خوب تصویر شده، خوب تبیین شده؛ اینها هم برای نسل جوان تبیین بشود.

انشاءالله که خداوند همه شماها را موفق بدارد و امیدواریم که خداوند ما را هم به این فیض نائل کند که بتوانیم واقعاً بفهمیم مرتبت شهدا و منزلت شهدا را و جامعه ما را ان‌شاءالله جامعه شهدایی کند که اگر این شد، ان‌شاءالله دنیا و آخرت برای کشور ما و مردم ما و جامعه ما تأمین خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

۱) در این دیدار - که در چهارچوب دیدار دسته جمعی برگزار شد - دست‌اندرکاران برگزاری اولین کنگره‌ی ملی ۱۸۸۰ شهید استان کهگیلویه و بویراحمد (که از ۱۱ الی ۱۵ مهرماه سال جاری برگزار میشود) و دست‌اندرکاران برگزاری نخستین کنگره‌ی بزرگداشت ۳۰۰۰ شهید استان خراسان شمالی (که از ۲۴ تا ۲۷ مهرماه سال جاری برگزار میشود)، حضور داشتند. در ابتدای دیدار، از اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدشرف‌الدین ملک حسینی (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان و رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره) و آقایان سید موسی خادمی (استاندار و نایب رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره) و سرتیپ دوم پاسدار یدالله بوعلی (فرمانده سپاه استان و دبیر کل کنگره) و از اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی شهدای استان خراسان شمالی، حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم یعقوبی (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان و رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره) و آقایان محمدرضا صالحی (استاندار و رئیس کنگره) و سرتیپ دوم پاسدار سیدحسن مرتضوی (فرمانده سپاه استان و دبیر کل کنگره) گزارشهایی ارائه کردند.

۲) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۶۹؛ «... زنده‌اند نزد پروردگارشان...»

۳) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۷۰؛ «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین میشوند.»